

شماره سؤال	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵
پاسخ	۴	۱	۳	۱	۴	۲	۱	۱	۲	۳
شماره سؤال	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
پاسخ	۳	۴	۲	۱	۱	۲	۴	۴	۲	۳
شماره سؤال	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰					
پاسخ	۳	۲	۲	۳	۱					

۲۶. « أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا »

نکته‌ی اصلی سؤال  
لم + فعل مضارع = ماضی منفی  
تَرَوْا: از ریشه‌ی « رَأَى : دید »

- (۱) نمی‌بینید ( مضارع منفی )
- (۲) نیاندیشیده‌اید ( تَرَوْا : با ریشه‌ی « رَأَى : دید » می‌باشد )
- (۳) نمی‌اندیشید ( هم مضارع منفی است، هم معنای ریشه‌ای فعل صحیح نمی‌باشد )
- (۴) ندیده‌اید ( کاملاً صحیح )

۲۷. « اللَّهُمَّ؛ قَدْ جَعَلْتَ لَنَا مَشَاكِلَ عَدِيدَةً فِي الدُّنْيَا حَتَّى تَرَبِّينَا، فَيَسِّرْهَا أَنْتَ عَلَيْنَا أَيْضًا! »

نکته‌ی اصلی سؤال  
قد + فعل ماضی = ماضی نقلی

- (۱) صحیح است!
- (۲) گذاشتی ( ماضی ساده است )
- (۳) دنیایمان ( الدُّنْيَا در صورت سؤال، ضمیر « نا » ندارد )
- (۴) نهادی ( ماضی ساده است )

۲۸. « مِفْتَاحُ الْهُدُوءِ هُوَ أَنْ نَعْلَمَ أَنَّهُ لَا أَثَرَ لِرَأْيِ الْآخِرِينَ فِي حَيَاتِنَا! »

نکته‌ی اصلی سؤال  
لا ( نفی جنس ) + اسم = هیچ ..... نیست ( ندارد )  
أَنْ نَعْلَمَ : که بدانیم

- (۱) فعل « أَنْ نَعْلَمَ » ترجمه نشده است
- (۲) ساختار « هیچ ... » نیامده است
- (۳) صحیح است
- (۴) ساختار « هیچ ... » نیامده است

۲۹. « إذا أساءك أحدٌ مقابل مروءتك إليه، فلا تخبر النَّاسَ بما فعل بك حتى لا تزول المروءة في الدنيا! »

لا تُخبر: خبر نكن، اطلاع نده

نکته‌ی اصلی سؤال

- (۱) صحیح است  
 (۲) چیزی مگو ( نادرست )  
 (۳) بازگو مکن ( نادرست )  
 (۴) بازگو مکن ( نادرست )

۳۰. عین الخطأ:

- (۱) صحیح  
 (۲) صحیح  
 (۳) صحیح  
 (۴) پس تو نمی‌دانی خداوند چه چیزی را به جای آن، به تو خواهد داد!

۳۱. « و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هونا ». عین غیر المناسب للمفهوم:

- (۱) صحیح  
 (۲) رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود ( این بیت، با مفهوم سؤال، ارتباطی ندارد! )  
 (۳) صحیح  
 (۴) صحیح

۳۲. « دنیا را رها کن تا کسی را که دوستش داری و دوستت دارد ببینی، و او پروردگار توست! »

فعل « دوستش داری »

و توجه به صیغه و ضمیر آن

نکته‌ی اصلی سؤال

- (۱) صحیح است  
 (۲) تحبک ( دوست داری تو را )  
 (۳) يحبه ( دوست دارد او را )  
 (۴) تحبها ( دوست داری او را ) / اما ضمیر « ها » مؤنث است که با « إله » متناسب نیست!

۳۳. « پدیده عجیب قوس قزح عبارت است از شکسته شدن نور خورشید در قطره باران، که بسیار زیباست! »

ترتیب استاندارد: اسم + مضاف‌إلیه + صفت

ترجمه معرفه و نکره

نکته‌ی اصلی سؤال

- (۱) صحیح است
- (۲) الظاهرة العجیبة لقوس ( صفت قبل از مضاف‌إلیه آمده است )
- (۳) عجیبة ( به صورت خبر آمده است )
- (۴) ظاهرة عجیبة ( به صورت نکره آمده، در حالیکه در صورت سؤال، معرفه است )

۳۴. « درک مطلب »

- (۱) نادرست
- (۲) یختار الصید بعض الأحيان الطریق الذی یعینه الصیاد!
- (۳) نادرست
- (۴) نادرست

۳۵. « درک مطلب »

- (۱) نادرست
- (۲) نادرست
- (۳) مسیر حركة الهدف كما هو مطلوب!
- (۴) نادرست

۳۶. « درک مطلب »

- (۱) نادرست
- (۲) نادرست
- (۳) سیر الأفلاك و تسبیحها فی مدارات ثابتة معینة!
- (۴) نادرست

۳۷. « درک مطلب »

- (۱) نادرست
- (۲) نادرست
- (۳) نادرست
- (۴) إن أمور العالم تجری بحکم حکیم!

۳۸. « قد تبین من خلالها أنّ العنكبوت لا تنتظر أن تأتي الحشرات إليها، بل تستخدم خيوطها كرادار! »

- (۱) صحیح  
 (۲) « العنكبوت » اسم حرف مشبهة بالفعل « أن » بوده که باید منصوب باشد، نه مجرور!  
 (۳) صحیح  
 (۴) صحیح

۳۹. « فالآية الكريمة تشير إلى حقيقة علمية و هي أن الأرض و معها القمر لا يلتقيان مع الشمس! »

- (۱) « الآية » مبتدا و مرفوع است: « الكريمة » صفت است که باید مرفوع باشد، نه مجرور!  
 (۲) صحیح  
 (۳) صحیح  
 (۴) صحیح

۴۰. « أُجْرِبَتْ »

- (۱) صحیح  
 (۲) موارد نادرست : ( خبر و مرفوع محلاً )  
 (۳) موارد نادرست : ( معرب )  
 (۴) موارد نادرست : ( أجوف )

۴۱. « يُعَيِّن »

- (۱) موارد نادرست : ( مبني للمجهول / نائب فاعله ضمير « هو » المستتر )  
 (۲) صحیح  
 (۳) موارد نادرست : ( باب « تفعل » )  
 (۴) موارد نادرست : ( ناقص / مع فاعله )

۴۲. « الأرض »

- (۱) موارد نادرست : ( ممنوع من الصرف )  
 (۲) موارد نادرست : ( مشتق )  
 (۳) موارد نادرست : ( خبره « معها » )  
 (۴) صحیح

۴۳. عین الصّحیح عن الضمیر ( علی حسب مرجعه ) :

- (۱) ضمیر « ه » در « إلیه » به کلمه « مدیره » برمی‌گردد که باید مؤنث باشد (ها)
- (۲) ضمیر « ها » در « أمها » به « هذا الطفل » اشاره دارد که باید مذکر « ه » باشد
- (۳) ضمیر « ه » در « بعضه » به کلمه « أشياء » بر می‌گردد که به علت جمع غیرعاقل بودن، باید مؤنث باشد (ها)
- (۴) صحیح

۴۴. عین ما لم یُذکر فیهِ المشار إلیه :

- (۱) ذلك المكان / هؤلاء السیدات
- (۲) « هاتان » مبتدا و « جزیرتان » خبر می‌باشد که از هم جدا هستند
- (۳) ذلك الجبل / تلك القارة
- (۴) هؤلاء المعلمون

۴۵. عین الخطأ فی الفعل :

- (۱) صحیح
- (۲) صحیح
- (۳) فعل « یری » جواب شرط است که باید مجزوم باشد ( یرَ )
- (۴) صحیح

۴۶. عین الخطأ فی البناء للمجهول :

- (۱) صحیح
- (۲) صحیح
- (۳) در تبدیل معلوم به مجهول و بالعکس، زمان فعل نباید تغییر کند ( یَظلم : یُظلم )
- (۴) صحیح

۴۷. عین اسم النواسخ علامة إعرابه فرعیة :

- (۱) « الحنان » اسم مفرد و دارای اعراب اصلی است
- (۲) « قَرْنانِ » اسم مثنی و دارای اعراب فرعی است ( مرفوع به الف )
- (۳) « العطشان » اسم مفرد بر وزن « فَعْلان » و دارای اعراب اصلی است
- (۴) « النسیان » اسم مفرد و مصدر بوده که اعراب اصلی دارد

## ۴۸. عین المفعول فيه:

- (۱) « اللیل » مضاف إليه و مجرور
- (۲) « قَبْلَ » مفعول فيه و منصوب
- (۳) « مَتَى » مجرور به حرف جر « إلى » محلاً
- (۴) « بعد » مجرور به حرف جر « من » محلاً

## ۴۹. عین الجملة الوصفية مجرورة:

- (۱) جمله وصفیه « ينزعجون » به دلیل مفعول به بودن « خيراً »، منصوب است
- (۲) جمله وصفیه « ما وجدت » به دلیل مفعول به بودن « أدوية »، منصوب است
- (۳) جمله وصفیه « أَدْخَلْتَهُمْ » به دلیل مضاف إليه بودن « قِيمِ »، مجرور است
- (۴) جمله وصفیه « فيه دستور » به دلیل خبر بودن « كتاب »، مرفوع است

## ۵۰. عین المنادی:

- (۱) « لا تَخَافِ » فعل نهی است؛ بنابراین « مؤمنة » منادی خواهد بود
- (۲) کلمه « أخو » مبتدا و مرفوع به واو است
- (۳) کلمه « أخت » مبتدا و مرفوع تقدیراً می باشد
- (۴) کلمه « مؤمن » مبتدا و مرفوع می باشد

موفق و شاد و پیروز بموتین

مجتبی محمدی